

دعا و زیارت بخش تفکیک ناپذیر معارف اهل بیت(ع) است و ما هر روز با آن زندگی می‌کنیم. شاید هیچ داروی شفابخشی به اندازه دعا در روح و روان آدمی تأثیر نداشته باشد؛ در خوف و رجا، شدت و رخا، امن و بلا، و درد و شفا.

به همین خاطر از جمله نیازهای جامعه امروز ما بعد از نماز و تلاوت، توجه به متون زیبا و دل‌انگیز زیارت معصومین و دعاست. پیامبر اسلام(ص) می‌فرماید: «دعا مغز عبادت است.»^۱ و قرآن کریم در آیات مختلف، بندگان را چنین به نیایش فرا می‌خواند: «بخوانید مرا تا اجابت کنم شما را، به راستی آنان که از ستایش من کبر ورزند، خیلی زود با سر افکنندگی به جهنم داخل می‌شوند.»^۲ و در آخرین آیه سوره فرقان نیز می‌فرماید: «بگو خدای من به شما ارجی نمی‌نهد، اگر درخواست و نیایش شما نباشد.»^۳

امیر کلام(ع) در «نهج البلاغه»، حکمت ۱۴۶ می‌فرماید: «ایمان خود را با صدقه دادن و اموال خود را با زکات دادن نگهدارید و امواج بلا را با دعا از خود برانید.» همچنین در نامه ۳۱ به فرزند بزرگوارش حضرت امام حسن مجتبی(ع) می‌فرماید: «در دعا با اخلاص پروردگارت را بخوان، که بخشیدن و محروم کردن تنها به دست اوست.»

سخنان و کلمات امیر کلام(ع)، خود از منابع اصلی دعا و زیارت در اسلام می‌باشند و مدام به آن مبادرت می‌ورزیده‌اند به گونه‌ای که در اکثر خطبه‌های طولانی حضرت بخشی هم به دعا اختصاص یافته است و دعاهای بلند و عارفانه شیعه، اغلب توسط حضرت امام علی بن ابی‌طالب(ع) در اختیار مؤمنان امت قرار گرفته است. امام حسین(ع)، صاحب دعای عارفانه عرفه، در شب و روز عاشورا دعاهایی را زمزمه می‌کردند که قابل توجه است. ایشان شب عاشورا خطاب به خداوند می‌فرمایند: «با بهترین وجه حمد و ثنای الهی را می‌گوییم، و او را در آسایش و سختی سپاس گزارم. خداوند! تو را سپاس می‌گوییم که ما را به نبوت گرامی داشتی و قرآن را به ما آموختی و ما را در دین فقیه نمودی، و به ما چشم و گوش و قلب دادی، پس ما را شاکر و سپاس‌گزار نعمت‌هایت قرار ده.»^۴

امام سجاد، زین‌العابدین(ع) از دعا و زیارت به عنوان بهترین و کاراترین سلاح در برابر دستگاه اموی استفاده می‌کند، که علاوه بر انتشار معارف الهی، معارف مکتب اهل بیت(ع) را هم گسترش می‌دهد. چون دعا همانند قرآن می‌تواند تأثیر چند وجهی داشته باشد، هم بشیر باشد و هم نذیر؛ هم موجب توبه گردد و هم سبب ازدیاد ثواب.

ایشان با صحیفه مبارک سجادیه نه تنها آداب فراموش شده اسلام را زنده کردند، که در لفافه پرده از روی افکار پلید و گمراه‌کننده امویان برداشتند. آداب دعاها



اشک مظلوم در آینه دعا

نگاهی به زیارت جامعه ائمه المؤمنین(ع)^۵

سید علی اصغر موسوی

در زیارت هر روز هفته که از آثار آن بزرگوار است نشان دهنده ظرفیت متعالی مکتب تشیع است. مکتبی که حق و حق جویی را سرلوحه امور خود قرار داده و از خداوند آنچه را برای خود می‌خواهد برای دیگران نیز می‌خواهد. و امروزه اغلب دعاها و زیارات به لطف حضرت حق (جل و علا) مصون از هرگونه حوادث روزگار و تحریف دشمنان در اختیار ماست. دعاها و زیاراتی که آکنده از معارف قرآن کریم و مطالب عارفانه اهل بیت‌اند.

«زیارت جامعه ائمه المؤمنین»^۵ همانند زیارت عاشورا، به علت شناسایی مظلومیت اهل بیت (ع) و شرح آن پرداخته و ترفندهای غاصبان حقوق اهل بیت (ع) را افشا می‌کند. مؤلف شریف «مفاتیح الجنان» مرحوم محدث قمی این زیارت را در بخش پایانی کتاب به نقل از «مصباح الزائر» سید بن طاووس (ره) آورده است که ایشان هم آن را از ائمه معصومین (ع) روایت کرده است. آداب زیارت مختص مکان یا زمان خاصی نیست و در هر زمان می‌شود آن را در جوار مشاهد و مراقد اهل بیت (ع) به جا آورد. در بخش میانی این زیارت، زائر پیامبر و اهل بیت گرامی اش (ع) را این گونه خطاب قرار داده و می‌گوید:

«ای سروران من، ای خاندان پیامبر خدا (ص)، من توسط شما، به سوی پروردگار بزرگوار بلند مرتبه تقرب می‌جویم، تا با دشمنان شما مخالفت کنم؛ آنها که با شما مکر و حيله کردند، بیعت شما را شکستند و منکر ولایت شما شدند.

هم آنان که مقام و منزلت شما را انکار کردند و از گردونه اطاعت شما خارج شود و از دوستی شما، با تمام وسایل دوری جستند. و با روی گردانی از شما و برائت از دوستی شما، به فرعون‌های خودشان تقرب جستند و شما را از اجرای حدود الهی بازداشتند و [همچنین] از ریشه‌کن ساختن منکران دین و گرفتن شکاف‌های تفرقه و التیام بخشیدن به جدایی‌ها و بستن رخنه‌ها و برطرف کردن کجی‌ها و نارواها و امضای احکام خدا و تهذیب [قوانین] اسلام و ریشه‌کن کردن گناهان جلوگیری کردند.

غبار فتنه‌ها و جنگ‌ها را علیه شما برانگیختند و شمشیرهای کینه را به سمت شما گرفتند، پرده‌های احترام شما را دریدند. و با سهم خمس شما شراب خریدند! و سهم زکات درماندگان را برای بازی دلقک‌ها و مسخره کنندگان صرف کردند.

و علت این کار، صاف کردن راه فاسقان گمراه و حسودان ستمگر و مردمان پیمان شکن و اهل مکر و خلاف و نیزنگ بود؛ همان‌هایی که دل‌های ناپاکشان پر از عفونت پستی و شرک و پلیدی بود و بدن‌هایشان آکنده از چرک و کثافت کفر! آنهایی که دل بر نفاق نهادند و به تفرقه و جدایی در اسلام روی آوردند.

هنگامی که [حضرت محمد] مصطفی [که درود خداوند بر او و خاندانش باد] رحلت فرمود، فرصت را غنیمت شمرده، هتک حرمت نمودند در حالی که او هنوز

در بستر وفات بود، از در مکر وارد شدند و با شتاب برای شکستن بیعت؛ مخالفت با پیمان‌های محکم و مؤکدی که با او داشتند و خیانت در امانت پیش رفتند. همان امانتی که وقتی آن را به کوه‌های سخت و گران عرضه نمودند، از پذیرفتنش امتناع کردند و ولی انسان ستمکار نادان که در تفرقه‌انگیزتن و میاهات به گناهان درداور و نخوت و گردن فرازی پیشتاز است، آن را پذیرفت، همان‌هایی که از حسن عاقبت در فرمانبرداری ننگ داشتند.

عرب‌های پست و بازماندگان جنگ احزاب به سمت خانه نبوت و رسالت و محل فرود وحی الهی و فرشتگان و مرکز حکومت اسلام و بارگاه ولایت و معدن وصایت و خلافت و امامت، روانه شدند؛ تا این که پیمان حضرت محمد مصطفی (ص) درباره برادرش علی (ع) را بشکنند. [همان علی] که پرچم هدایت و تبیین کننده راه رستگاری، از دیگر راه‌های مهلک باطل بود.

جگر بهترین خلق خدا را با ظلم و ستم و بیداد و حق کشی که بر دخترش - همان حبیبۀ او، همان عزیزۀ او، همان پاره تن و جگر گوشۀ او - روا داشتند، جریحه‌دار کردند.

[همان که] حق شوهرش را گرفتند و قدر و منزلتش را کوچک شمردند و باعث هتک حرمتش شدند و قطع وابستگی (قطع رحم) کردند. منکر برادری او [با رسول خدا (ص)] شدند و دوستی و مودت او را ترک کردند. فرمانبرداری از او را نقض کرده، منکر ولایتش شدند. بندگان در خلافت او [علی (ع)] طمع کردند و به زور شمشیرهای برهنه و نیزه‌های کشیده او را به سوی بیعت آنها کشیدند؛ در حالی که او در دل خشمگین و خشمی سخت آتشناک و غضبناک بود، ولی جز شکیبایی و فروبردن خشم، چاره‌ای نداشت!

آنها حضرت را به عهد و بیعتی خواندند که شومی آن عالم اسلام را فراگرفت و با آن بدر گناهان در دل مسلمانان کاشته شد. [همان که] سبب دور شدن سلمان، طرد مقداد، تبعید ابوذر و دریده شدن شکم عمار گردید. [همان گونه که] قرآن را تحریف کرد و احکام الهی را دیگرگون ساخت و مقام خلافت را تغییر داد!

و [آنه تنها] خمس (سهم آل الله) را برای آزادشدگان مباح کرد؛ که فرزندان لعنت شدگان را بر خون‌ها و ناموس‌های مردم مسلط گردانید! و حلال و حرام را با هم مخلوط کردند، و ایمان و اسلام را خوار و خفیف کردند. و کعبه را خراب و به غارت و تاراج مدینه (شهر هجرت رسول خدا) در روز جنگ حرّه^۶ پرداختند.

آدر آن روز! دختران مهاجر و انصار پیغمبر را از پشت پرده، برای عقوبت بیرون کشیدند، تا جامه ننگ و رسوایی بر تن آنان بپوشانند!

و به اهل شبیهه و نفاق اجازه داده شد [که آزاد باشند] در کشتن اهل بیت برگزیده حق و برانداختن نژاد او؛ و

«ای سروران من، ای خاندان پیامبر خدا (ص)، من توسط شما، به سوی پروردگار بزرگوار بلند مرتبه تقرب می‌جویم، تا با دشمنان شما مخالفت کنم؛ آنها که با شما مکر و حيله کردند، بیعت شما را شکستند و منکر ولایت شما شدند.

هم آنان که مقام و منزلت شما را انکار کردند و از گردونه اطاعت شما خارج شود و از دوستی شما، با تمام وسایل دوری جستند. و با روی گردانی از شما و برائت از دوستی شما، به فرعون‌های خودشان تقرب جستند و شما را از اجرای حدود الهی بازداشتند و [همچنین] از ریشه‌کن ساختن منکران دین و گرفتن شکاف‌های تفرقه و التیام بخشیدن به جدایی‌ها و بستن رخنه‌ها و برطرف کردن کجی‌ها و نارواها و امضای احکام خدا و تهذیب [قوانین] اسلام و ریشه‌کن کردن گناهان جلوگیری کردند.

غبار فتنه‌ها و جنگ‌ها را علیه شما برانگیختند و شمشیرهای کینه را به سمت شما گرفتند، پرده‌های احترام شما را دریدند. و با سهم خمس شما شراب خریدند! و سهم زکات درماندگان را برای بازی دلقک‌ها و مسخره کنندگان صرف کردند.

و علت این کار، صاف کردن راه فاسقان گمراه و حسودان ستمگر و مردمان پیمان شکن و اهل مکر و خلاف و نیزنگ بود؛ همان‌هایی که دل‌های ناپاکشان پر از عفونت پستی و شرک و پلیدی بود و بدن‌هایشان آکنده از چرک و کثافت کفر! آنهایی که دل بر نفاق نهادند و به تفرقه و جدایی در اسلام روی آوردند.

هنگامی که [حضرت محمد] مصطفی [که درود خداوند بر او و خاندانش باد] رحلت فرمود، فرصت را غنیمت شمرده، هتک حرمت نمودند در حالی که او هنوز

در بستر وفات بود، از در مکر وارد شدند و با شتاب برای شکستن بیعت؛ مخالفت با پیمان‌های محکم و مؤکدی که با او داشتند و خیانت در امانت پیش رفتند. همان امانتی که وقتی آن را به کوه‌های سخت و گران عرضه نمودند، از پذیرفتنش امتناع کردند و ولی انسان ستمکار نادان که در تفرقه‌انگیزتن و میاهات به گناهان درداور و نخوت و گردن فرازی پیشتاز است، آن را پذیرفت، همان‌هایی که از حسن عاقبت در فرمانبرداری ننگ داشتند.

عرب‌های پست و بازماندگان جنگ احزاب به سمت خانه نبوت و رسالت و محل فرود وحی الهی و فرشتگان و مرکز حکومت اسلام و بارگاه ولایت و معدن وصایت و خلافت و امامت، روانه شدند؛ تا این که پیمان حضرت محمد مصطفی (ص) درباره برادرش علی (ع) را بشکنند. [همان علی] که پرچم هدایت و تبیین کننده راه رستگاری، از دیگر راه‌های مهلک باطل بود.

جگر بهترین خلق خدا را با ظلم و ستم و بیداد و حق کشی که بر دخترش - همان حبیبۀ او، همان عزیزۀ او، همان پاره تن و جگر گوشۀ او - روا داشتند، جریحه‌دار کردند.

[همان که] حق شوهرش را گرفتند و قدر و منزلتش را کوچک شمردند و باعث هتک حرمتش شدند و قطع وابستگی (قطع رحم) کردند. منکر برادری او [با رسول خدا (ص)] شدند و دوستی و مودت او را ترک کردند. فرمانبرداری از او را نقض کرده، منکر ولایتش شدند. بندگان در خلافت او [علی (ع)] طمع کردند و به زور شمشیرهای برهنه و نیزه‌های کشیده او را به سوی بیعت آنها کشیدند؛ در حالی که او در دل خشمگین و خشمی سخت آتشناک و غضبناک بود، ولی جز شکیبایی و فروبردن خشم، چاره‌ای نداشت!

آنها حضرت را به عهد و بیعتی خواندند که شومی آن عالم اسلام را فراگرفت و با آن بدر گناهان در دل مسلمانان کاشته شد. [همان که] سبب دور شدن سلمان، طرد مقداد، تبعید ابوذر و دریده شدن شکم عمار گردید. [همان گونه که] قرآن را تحریف کرد و احکام الهی را دیگرگون ساخت و مقام خلافت را تغییر داد!

و [آنه تنها] خمس (سهم آل الله) را برای آزادشدگان مباح کرد؛ که فرزندان لعنت شدگان را بر خون‌ها و ناموس‌های مردم مسلط گردانید! و حلال و حرام را با هم مخلوط کردند، و ایمان و اسلام را خوار و خفیف کردند. و کعبه را خراب و به غارت و تاراج مدینه (شهر هجرت رسول خدا) در روز جنگ حرّه^۶ پرداختند.

آدر آن روز! دختران مهاجر و انصار پیغمبر را از پشت پرده، برای عقوبت بیرون کشیدند، تا جامه ننگ و رسوایی بر تن آنان بپوشانند!

و به اهل شبیهه و نفاق اجازه داده شد [که آزاد باشند] در کشتن اهل بیت برگزیده حق و برانداختن نژاد او؛ و

پی نوشت‌ها:

* ادعیه و زیارات به یادگار مانده از امامان معصوم (ع) تنها وسایلی برای ارتباط با خدا یا عرض ارادت به پیشگاه امامان شهید شیعه نیستند، بلکه خود مجموعه‌ای از معارف ناب شیعی به شمار می‌آیند که پیروان اهل بیت عصمت و طهارت (ع) با بهره‌گیری از آنها می‌توانند با اصول اعتقادات شیعه، رمز و راز زندگی سعادت‌مندانه و از همه مهم‌تر تاریخ پر فراز و نشیب و سراسر مظلومیت اولیای الهی آشنا شوند.

در مقاله پیش رو با بهره‌گیری از «زیارت جامعه ائمه المؤمنین (ع)» نگاهی اجمالی شده است به وقایعی که پس از وفات پیامبر گرامی اسلام (ص) در جامعه اسلامی رخ داد.

۱. وسایل الشیعه، ج ۷، ص ۲۷، ح ۸۶۱۵.

۲. سوره غافر (۴۰)، آیه ۶۰.

۳. سوره فرقان (۲۵)، آیه ۷۷.

۴. صحیفه الحسین (ع)، ترجمه: جواد قیومی اصفهانی، ص ۷۸.

۵. مفاتیح الجنان.

۶. «آزادشدگان» (طُلُقاء) و فرزندان لعنت شدگان، همان ابوسفیان و فرزندش معاویه و امویان می‌باشند، که به واسطه خلافت ناشایستگان، به امارت مسلمین دست یافتند و برای یادآوری همان نکته، حضرت زینب (س) در شام، یزید را «یابن الطلقاء» خطاب کرد.

۷. (واقعه حره در ۲۸ ذی حجه سال ۶۳ هجری اتفاق افتاد و آن قیام مردم مدینه بر ضد حکومت یزید بود. در آن واقعه هزاران نفر کشته شدند از جمله حضرت عبدالله بن جعفر (ره). در این واقعه سپاه یزید مرتکب هتک حرمت حریم نبوی (ص) و تجاوز به نوامیس ساکنان مدینه شد که در دعا نیز بدان اشاره شده است.

ریشه کن کردن قهرمانان و اسیر کردن حرمش، و کشتن یاران و شکستن منبر آن حضرت (ص)؛ و وارونه نشان دادن مفاخر او، و پنهان کردن دینش. او در نهایت محو کردن نام مبارک او!

ای سروران من! اگر حضرت مصطفی (ص) حال شما را می‌دید؛ هنگامی که تیرهای امت، غرق در خون، جگرهای شما را مجروح می‌کرد و نیزه‌هایشان در گردن و گلوئی شما فرو می‌رفت و شمشیرهایشان برای ریختن خون شما، از همیشه حریص‌تر بود چگونه آن را باور می‌کرد؟!]

فرزندان بدکاران تشنه فسق‌اند به خاطر پرهیزگاری شما و آنکه از خشم کفرند به خاطر ایمان شما؛ و شما یان یا در محراب عبادت با فرق شکافته به تیغ دشمن کشته شدید؛ یا شهید بالای تابوت شدید، که از هجوم تیرهای دشمن، کفنش سوراخ سوراخ گشت!

یا آنکه کشته‌اش در بیابان افتاد، در حالی که سر مبارکش بالای نیزه‌ها رفته بود! یا آنکه بسته به حلقه‌های زنجیر زندانی شد؛ در حالی که زیر کنده و آهن، در فشار سنگین زنجیر اعضای بدن شریفش کوبیده شده بود.

یا آنکه مسموم از جرعه‌های زهر شده و امعاء (معهه و روده) شریفش از شدت زهر قطعه قطعه شدند.

بندگان فرومایه و فرزندان آنان، جمع خاندانتان را از هم گسیختند! او در پی نابودی شان کوشیدند!]

آه، ای سروران من (آقایان و موالیان من) آیا مصیبت و بلا جز آن است که بر شما وارد شد؟!]

و جز آن است که مصیبت‌ها همه شما را فراگرفت؟! مگر نه اینکه تمام فجایع از این امت به شما اختصاص یافت و حوادث ناگواری که در آن به شما ستم شد! [پس] درود و صلوات خداوند بر شما و بر ارواح شما و بدن‌های پاک شما باد؛ و رحمت خداوند و برکاتش [همیشه زمان] بر شما باد!

